یادداشت روز

دانشجوی امروز؛ فرمانده جنگ فناورانه فردا

شانزدهم آذرماه، برای دانشجو و دانشگاه که حوادث تلخ ۱۳۳۲ و سفر «نیکسون» رئیس‌جمهور وقت آمریکا آن هم ۸۰ روز پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد به تهران و شهادت سه همکلاس دانشگاهی خود را در سنگفرش خیابان دانشگاه تهران در صفحات تاریخ پر افتخار این مرز و بوم خوانده، تنها یک مناسبت تاریخی نیست؛ آینه‌ای است که در آن می‌توان پیوند میان «سیاست و هویت اعتراض دانشجویی» و «میداندار‌ی در علم» را به روشنی دید. سه شهید دانشجو در سال ۱۳۳۲ در برابر سیاستی ایستادند که دشمنان می‌خواستند دانشگاه به مکانی بی‌اثر تبدیل شود و اکنون، در آغازین سال‌های قرن ۱۴، این بار دانشجو با وضعیتی پیچیده‌تر روبه‌رو است. نبردی آرام اما هدفمند و عمیق که برخی بدخواهان به‌دنبال آن هستند تا اثرگذاری دانشجو را در میدان علم، فناوری و تولید قدرت ملی کاهش دهند. بنابراین، روز دانشجو امسال تنها یک مناسبت تقویمی نیست؛ بلکه یادآور مسئولیت نسلی است که باید بار اصلی عبور ایران از «جنگ فناورانه» را بر دوش بکشد. بایکوت علمی، محدودیت فناوری و عملیات شناختی دشمن علیه انگیزه جوانان، همه نشانه‌هایی است که نشان می‌دهد میدان اصلی نبرد در این نوع جنگ، دانشگاه است. اگر نسل جدید کشورمان در این مقطع حساس که همه جهان سلطه ایستاده تا در مسیر پیشرفت ایران عزیز سد ایجاد کند، با مهارت، اراده و تلاش واقعی به میدان بیاید، هیچ تحریمی در حوزه فناورانه و ایضا حوزه‌های دیگر، قادر به توقف پیشرفت ایران نخواهد بود. لذا در شرایط حاضر، رسالت دانشجو و دانشگاه بسیار سنگین‌تر از گذشته است.

۱- ایران در سال‌های اخیر با نوعی از جنگ مواجه بوده که نشانه‌هایش نه در مرزهای نظامی، بلکه در مرزهای دانشی دیده می‌شود. تحریم‌های فناورانه، محدودیت انتقال تکنولوژی و فشار برای حذف پژوهشگران ایرانی از پروژه‌های مهم که در مرز دانش قرار دارد، نشان می‌دهد که هدف اصلی دشمن مهار علمی ایران است. در تحلیل‌های اندیشکده RUSI در سال ۲۰۲۴ و گزارش‌های اندیشکده RAND در سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ به صراحت آمده است که «کاهش شتاب علمی ایران کلید موفقیت سیاست مهار» است. این در حالی است که در همین تابستانی که گذشت رهبر حکیم انقلاب به مناسبت چهلمین روز شهدای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی بر ضد ملت ایران، آن هم پس از آنکه دشمن صهیونیستی با همکاری آمریکا دانشمندان هسته‌ای و فرماندهان ارشد نظامی و مراکز هسته‌ای کشورمان را با برنامه مهار دانش و کاهش شتاب علمی ایران مورد هدف قرار داده بود، فرمودند: «ملت ایران به توفیق الهی دین خود را و دانش خود را رها نخواهد کرد. ما در راه تقویت ایمان دینی‌مان و در راه گسترش و عمق دانش‌های متنوع و گوناگون خودمان قدم‌های بلندی برخواهیم داشت.»

۲- دانشگاه در چنین شرایطی دیگر یک نهاد آموزشی صرف نیست؛ بلکه به جبهه‌ای برای تولید قدرت تبدیل شده است. بر اساس گزارش‌های وزارت علوم در سال ۱۴۰۳، بیش از ۷۰ درصد پروژه‌های حساس صنایع انرژی، زیست‌فناوری، دفاعی، کشاورزی هوشمند و پزشکی نوین در دانشگاه‌ها در حال اجراست. این ارقام نشان می‌دهد که دانشجو در متن میدان راهبردی دانش و تولید علم کشور قرار گرفته است. در همین دوره، رسانه‌های غربی نیز ناخواسته ابزار تأیید این واقعیت شدند. نیویورک‌تایمز در گزارشی پس از جنگ ۱۲روزه رژیم صهیونیستی علیه ملت ایران نوشت: «ایران حتی زیر فشارهای امنیتی، ظرفیت فناورانه خود را توسعه داده است.» این اعتراف آشکار نشان می‌دهد که پیشرفت علمی ایران نه‌تنها متوقف نشده، بلکه امروز این پیشرفت برای طرف مقابل به تهدیدی ژئوپلیتیک تبدیل شده است. از سوی دیگر، برخی آمارها نشان می‌دهد که نرخ تأثیرگذاری علمی ایران در حوزه‌هایی مانند نانو، شیمی و مهندسی پزشکی بالاتر از میانگین منطقه‌ای است و همین امر سبب شده که غرب از گسترش این توانمندی هراس داشته باشد.

۳- امروز دانشجوی ما با شهادت نخبگان علمی خود همچون؛ شهیدان شهریاری، علیمحمدی، روشن، عباسی، طهرانچی، مینوچی، فقهی و دهها عزیزی که در طول این سالها در راه خدمت به دانش هسته‌ای و تولید علم داده، می‌دانندکه بایکوت علمی علیه ایران اسلامی، برخلاف تصور عمومی، فقط یک تحریم دانشگاهی نیست؛ بلکه پروژه‌ای سیاسی است که به‌دنبال حذف ایران از زنجیره ارزش در فناوری‌های پیشران است. این پروژه از محدودسازی پذیرش دانشجوی ایرانی در رشته‌های مواد پیشرفته و انرژی در کشورهای پیشرفته گرفته تا محدودیت فعالیت شرکت‌های ایرانی در نمایشگاه‌های جهانی هوش مصنوعی و نانو و... امتداد یافته است.

۴- روز دانشجو به ویژه امسال در چنین فضائی، معنا و وزن متفاوتی پیداکرده است. رسالت امروز دانشجو، رسالتی عمیقاً ملی است و آن توقف‌ناپذیر کردن موتور پیشرفت کشور در چنین شرایطی است. اگر در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ دانشجو اعتراض کرد تا دانشگاه نقش خود را از دست ندهد، امروز دانشجو با اراده مقاومتی که از جنگ ۱۲ روزه در وجود او دو چندان شده است، تلاش می‌کند تا دانشگاه این محیط مقدس، به موتور مرکزی قدرت ملی کشور تبدیل شود. هرچند در ادامه این مسیر چالش‌هایی وجود دارد و یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، تغییر نگاه از «یادگیری برای اخذ مدرک» به «یادگیری برای تولید قدرت و اقتدار کشور» است. چرا که ایران امروز بیش از هر زمان دیگری به متخصصان انرژی، زیست‌فناوران و دانشمندان هوش مصنوعی نیاز دارد؛ نه به دانش‌آموختگانی که تنها برای عبور از آزمون‌ها و اخذ مدرک و احیانا استخدام در اداره‌ای یا جلای وطن کردن پس از فراغت از تحصیل، خود را آماده می‌کنند. عملیات رسانه‌ای دشمن طی سال‌های اخیر دقیقاً همین نقطه را هدف گرفته است؛ یعنی بی‌اثر کردن انگیزه علمی نسل جوان. روایت‌هایی همچون «پیشرفت بی‌فایده است»، «خروج از کشور تنها راه است» یا «دانشگاه تأثیر ندارد» از سوی رسانه‌های وابسته به اندیشکده‌های آمریکایی تکرار می‌شود تا با این روایت‌های غلط چرخ توسعه ملی کشور کُند و بی‌اثر شود.

۵- گزارش صندوق نوآوری و شکوفایی کشور نشان می‌دهد که تنها در دو سال گذشته، بیش از ۶۰۰ شرکت دانش‌بنیان توسط دانشجویان یا فارغ‌التحصیلان جوان تأسیس شده و مجموع ارزش افزوده آن‌ها به بیش از ۵ میلیارد دلار رسیده است. این عدد در شرایط تحریم، یک رکورد مهم و رمزگشایی از توان بالقوه نسل دانشگاهی است که با بیشترین انگیزه و روحیه‌ای خستگی ناپذیر مسیر پیشرفت را متناسب با ابزارهای جدید دانشی به سرعت طی می‌کند. از سوی دیگر، هرچند دولت چهاردهم در شش ماه اول کاری خود از انسجام لازم برای شتاب دادن به «دانش بنیان‌ها» برخوردار نبود و امور این بخش به کندی پیش می‌رفت اما طی ماه‌های گذشته بارها بر ضرورت توسعه آزمایشگاه‌های علمی، پیوند صنعت و دانشگاه و ارتقای جایگاه پژوهش در اقتصاد ملی تأکید کرده است و تحقق این اهداف بدون حضور فعال دانشجویان ممکن نیست. پروژه‌هایی مانند توسعه مراکز نوآوری منطقه‌ای، تقویت پارک‌های علم و فناوری و ایجاد صندوق‌های مشترک صنعت و دانشگاه زمانی کارآمد خواهد شد که دانشجو و دانشگاه محور اصلی آن باشند.

۶- امروز در عرصه جهانی، مسابقه اصلی بر سر فناوری‌های پیشران است نه فناوری‌هایی که اکنون در عقبه دانش لنگان لنگان در حال حرکت است. انرژی‌های نو، مواد فوق‌پیشرفته، کوانتوم، هوش مصنوعی و... حوزه‌هایی هستند که عقب‌نشینی از آنها با یک نهیب دشمن، خسارات بزرگی را بر نسل حاضر و نسل‌های آینده تحمیل خواهد کرد. اگر ایران از این میدان رقابت عقب بماند، در همه حوزه‌ها عقب خواهد ماند ولی اگر پرشتاب حرکت کند در همه حوزه‌ها پیش خواهد رفت. پیشرفت‌های اخیر ایران در حوزه‌هایی مانند نانوفناوری، سوخت هسته‌ای، داروهای پیچیده با بهره‌گیری از فناوری هسته‌ای، فناوری الکترونیک و علوم هوافضا نشان داده که کشور ظرفیت عبور از محدودیت‌ها را دارد. اما برای حفظ این مسیر، باید شتاب علمی افزایش یابد و این شتاب تنها با نیروی انسانی جوان تحصیل‌کرده ممکن است. طبیعی است که در چنین رقابتی، این دانشگاه و دانشجو است که حرف اول و آخر را می‌زند.

۷- در چنین وضعیتی، ۱۶ آذر نباید تنها به ذکر آنچه در سال ۱۳۳۲ رخ داد خلاصه شود و تجمعی برگزار و به یاد آن روز به یک یا چند سخنرانی بسنده شود. آنچه شهدای ۱۶ آذر ۱۳۳۲ و همه شهدای دانشجو از اولین تا آخرین آنها از دانشجو و استاد امروز انتظار دارند این است که گذشته را چراغ راه آینده خویش قرار دهند و برای زمینگیر کردن دشمن، لحظه‌ای از کار و تلاش علمی غفلت نکنند و این فرمایش رهبر فرزانه انقلاب را آویزه گوش خویش قرار دهند که فرمودند: «در زمینه علم و فناوری، آن کاری را که ذهن بشر به آن دست نیافته است، آن را وجهه همت قرار بدهید و دنبال بکنید؛ این طوری است که ما خط مقدم علم را شکسته‌ایم و یک قدم به جلو برداشته‌ایم.» به این نکته مهم باید شود که خواسته‌های رهبر فرزانه انقلاب از دانشجویان، منظومه‌ای به هم‌پیوسته و حکیمانه را تشکیل می‌دهد که در آن، «ایمان» و «علم»، «معنویت» و «سیاست»، «دغدغه داخلی» و «نگاه بین‌المللی» و «نقد» و «سازندگی» در کنار یکدیگر معنا پیدا می‌کنند. این نگاه، دانشجو را نه به‌عنوان یک عنصر تک‌بعدی، بلکه به‌عنوان «انسان تراز انقلاب اسلامی» می‌پروراند؛ انسانی که هم متخلق به اخلاق اسلامی است، هم در اوج دانش روز قرار دارد، هم بصیرت سیاسی دارد، هم قدرت نقد سازنده دارد و هم دغدغه امت اسلامی را در سر می‌پروراند. تحقق این نقشه راه، ضامن تربیت نسلی است که می‌تواند بار سنگین پیشبرد کشور و تمدن‌سازی نوین اسلامی را بر دوش بکشد و آینده‌ای درخشان را برای ایران اسلامی رقم بزند.

حسن رشوند

بقایی:

سند امنیت ملی ترامپ بیشتر سند امنیت ملی رژیم صهیونیستی است تا آمریکا

عکس: محمدعلی شیخ‌زاده

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به سؤالی درخصوص سند امنیت ملی ترامپ اظهار داشت: این سند بیش از آنکه سند امنیت ملی آمریکا باشد، حداقل در رابطه با منطقه غرب آسیا، سند امنیت ملی رژیم صهیونیستی است و صرفاً همه همّ و غم آمریکا این است که سیطره رژیم صهیونیستی را بر منطقه اعمال کند و این، خود به معنای همدستی آمریکا در ادامه جنایاتی است که رژیم صهیونیستی مرتکب می‌شود.

اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت امور خارجه روز یکشنبه ۱۶ آذرماه در نشست هفتگی با خبرنگاران به تشریح آخرین تحولات در حوزه سیاست خارجی پرداخت و به سؤالات خبرنگاران پاسخ داد.

وی در ابتدا ۱۶ آذر و روز دانشجو را تبریک گفت.

سند امنیت ملی رژیم صهیونیستی است نه سند امنیت ملی آمریکا

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به سؤالی درباره سند امنیتی جدید آمریکا و اینکه از یک سو ادعا شده که این کشور در پی ورود به جنگ‌های بی‌پایان نخواهد بود و از سوی دیگر، منافع حیاتی آمریکا در این منطقه مبتنی بر دو رکن اساسی اعلام شده نخست تضمین منابع انرژی خلیج‌فارس و دوم حفظ امنیت رژیم صهیونیستی است، بیان کرد: این سند را بررسی نگاه خواهیم کرد. ولی آن چیزی که از اولین نگاه مشخص است این است که این سند خیلی عریان هر آنچه را در سالیان گذشته دولت‌های مختلف آمریکا به دنبال آن بودند و تحت لوای حقوق بشر و دموکراسی مخفی می‌کردند، عریان و صادقانه بیان کرده است.

وی ادامه داد: همه دغدغه‌شان در منطقه غرب آسیا اطمینان از دسترسی به منابع انرژی است و از آن طرف تضمین امنیت رژیم صهیونیستی. این دو عنصر اساسی است که در رابطه با منطقه غرب آسیا در این سند ذکر شده است. اما واقعیت امر این است که اساساً از فحوای این سند می‌توانیم ارزیابی کنیم که آمریکا خودش را در جایگاه داوری در مورد همه کشورها نشانده و این چیزی است که در جهان امروز هیچ طرفی آن را نمی‌پذیرد.

بقایی افزود: نکته دیگر اینکه در کل سند هیچ اشاره‌ای به حقوق فلسطینی‌ها نشده و همین امر هم نشانه این است که این سند بیش از آنکه سند امنیت ملی آمریکا باشد، حداقل در رابطه با منطقه غرب آسیا، سند امنیت ملی رژیم صهیونیستی است و صرفاً همه همّ و غم آمریکا این است که سیطره رژیم صهیونیستی را بر منطقه اعمال کند و این، خود به معنای همدستی آمریکا در ادامه جنایاتی است که رژیم صهیونیستی مرتکب می‌شود.

سخنگوی دستگاه دیپلماسی بیان کرد: خود سند، به‌ویژه اگر قسمت‌هایی را که مربوط به افتخار کردن در مورد حمله به تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است، مبنا قرار بدهیم، سندی است که نشانگر پذیرش مسئولیت بین‌المللی آمریکا در قبال این کار متخلفانه بین‌المللی است.

توصیه بقایی به شورای همکاری خلیج فارس

بقایی همچنین در پاسخ به سؤالی با این مضمون که دلیل اصرار شورای همکاری بر صدور این بیانیه‌ها و تکرار این ادعاهای بی‌اساس چیست؟ اینکه عمان و قطر که دارای روابط نزدیکی با ایران هستند به این بیانیه‌ها صحه گذاشته و همچنین حمایت عربستان از ادعای ارضی امارات عربی متحده و اینکه این تحرکات امارات با چه هدفی صورت می‌گیرد؟ پاسخ داد: درباره جزایر سه‌گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی موضع ما خیلی روشن است و به لحاظ تاریخی و حقوقی و آنچه در واقع امر وجود دارد، هیچ تردید و شکی درباره حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه وجود ندارد.

بقایی ادامه داد: این بیانیه تکرار ادعاهایی است که قبل هم در بیانیه‌های مختلف امارات یا شورای همکاری خلیج‌فارس مطرح شده و از این حیث همان‌طور که در موضع وزارت خارجه اعلام شد، این ادعاها تکرار ادعاهای قبلی است و در عین اینکه ما به هیچ عنوان چنین ادعایی را نمی‌پذیریم.

سخنگوی وزارت خارجه ادامه داد: اینکه شخصیت‌ها، رسانه‌ها و سیاسیون درباره موضوعی که به حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی ایران واکنش نشان دهند، امری طبیعی است و هر ایرانی فارغ از تعلقات سیاسی، حتماً نسبت به حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی کشورش حساس است و چنین ادعاهایی را به هیچ عنوان نمی‌پسندد.

بقایی به کشورهای حاشیه خلیج‌فارس توصیه کرد که در گفتار و موضع‌گیری‌ها به نحوی عمل شود که آب به آسیاب دشمن اصلی منطقه یعنی رژیم صهیونیستی نریزیم. وی گفت: ایران همواره طالب دوستی و روابط خوب و مبتنی بر حسن همجواری با کشورهای همسایه بوده و به این مرام و رویکرد خودش ادامه خواهد داد. سخنگوی دستگاه دیپلماسی افزود: جمهوری اسلامی ایران حتماً با اقتدار از حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی خود دفاع خواهد کرد.

تصمیم‌گیری درباره مذاکرات در شورای عالی امنیت ملی

بقایی در ادامه در پاسخ به سؤالی درخصوص انتقادات وارده به وزارت امور خارجه و همچنین چگونگی تهیه دستورالعمل وزارت خارجه درخصوص مذاکره با آمریکا بیان کرد: برای وزارت خارجه ملاک و مبنا منافع ملی است. تعریف منافع ملی در مراجع ذی‌ربط تصمیم‌گیر صورت می‌گیرد. با توجه به جمیع جهات با در نظر داشتن برداشت‌ها و دریافت‌های خود از وضعیتی که وجود دارد و همین طور با مشورت با جهات ذی‌ربط اثرگذار در تصمیم‌سازی راجع به موضوعات سیاست خارجی، مواضع خود را تدوین می‌کنیم، ولی نهایتا تصمیم‌گیری درباره امر مهمی چون سیاست خارجی شامل مذاکرات، در نهادهای بالادستی نظام اتخاذ می‌شود.

وی گفت: شورای عالی امنیت ملی یکی از مراجع اصلی در تصمیم‌گیری راجع به موضوع مذاکرات بوده است.

بقایی ادامه داد: اینکه انتقاداتی از سوی جهات مختلف وجود دارد با سعه صدر بررسی می‌کنیم و هر جا که قابل استفاده باشد از آن بهره می‌بریم. معتقدیم فضای بازی که وجود دارد و یکی از برکات جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی است کمک می‌کند به تصمیم‌سازی بهتر در اموری که مربوط به تک‌تک ایرانیان است. ولی تصمیم‌گیری درباره موضوعات مهم سیاست خارجی براساس دستورالعمل‌های صادره از سوی نهادهای بالادستی در موضوع مذاکرات، در شورای عالی امنیت ملی انجام می‌شود.

سفر پزشکیان به ترکمنستان و قزاقستان ظرف روزهای آینده

بقایی درباره سفر مسعود پزشکیان به قزاقستان و ترکمنستان هم با بیان اینکه سفر آقای رئیس‌جمهور را حتماً دفتر ایشان اطلاع‌رسانی می‌کنند یا اطلاع‌رسانی کرده‌اند، اظهار داشت: سفر به قزاقستان و ترکمنستان ظرف روزهای آینده انجام خواهد شد.

این دیپلمات ارشد ایرانی همچنین گفت: سفر رئیس‌جمهور به ترکمنستان و قزاقستان ظرف روزهای آینده انجام خواهد شد.

درباره تعرض به حاکمیت و قلمرو سرزمینی خود مماشات نداریم

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به سؤالی درباره اخبار منتشر شده مبنی بر استفاده رژیم صهیونیستی از فضای جمهوری آذربایجان در تجاوز نظامی ۱۲ روزه علیه ایران و اینکه آیا در سفر عراقچی به باکو در این خصوص گفت‌وگو خواهد شد؟ اظهار داشت: ما در مورد تعرض به حاکمیت و قلمرو سرزمینی خود شامل فضای کشور حتما هیچ مماشاتی نداریم و همواره به کشورهای منطقه و همسایه هشدار دادیم که مراقب سوءاستفاده‌های رژیم صهیونیستی از فضایشان باشند.

وی افزود: در هر ادعایی به صورت مستدل و مستند مواضع را مطرح می‌کنیم و هر موردی که از سوی دستگاه‌های ذی‌ربط نظامی و امنیتی بگیریم، با هر کشوری باشد، بدون هیچ کوتاهی و رودربایستی حتما مطرح می‌کنیم.

خبر ویژه

کارشناس‌نماهای خالی‌بند! وعده‌های اقتصادی چه شد؟

شماری از حامیان سیاسی و اقتصادی آقای پزشکیان در انتخابات ۱۴۰۳، به جای پاسخگویی درباره سوءمدیریت اقتصادی دولت در برخی حوزه‌ها و عذرخواهی از مردم، خواستار حذف بودجه نهادها شدند تا به‌زعم خود، افکار عمومی را دنبال نخود سیاه بفرستند.

در حالی که قیمت ارز و طلا در مقایسه با آغاز دولت پزشکیان دو برابر شده و نرخ تورم در اثر برخی بی‌تدبیری‌ها به بالای ۴۰ درصد افزایش یافته است، ۱۸۰ نفر شامل برخی عناصر سیاسی و شماری مدعیان کارشناسی اقتصادی، بیانیه‌ای غرض‌ورزانه خطاب به آقای پزشکیان منتشر کرده و خواستار حذف بودجه نهادها(ی غیردولتی) شدند، بی‌آنکه کمترین اشاره‌ای به بودجه مراکز دولتی به عنوان اصلی‌ترین هزینه‌کنندگان بودجه باشند.

این بیانیه که تیتر روزنامه‌هایی مانند دنیای اقتصاد و سازندگی و هم‌میهن و.. شد، از سوی کسانی مانند عباس آخوندی، مسعود نیلی، ولی‌الله سیف، اصغر فخریه‌کاشان، فیاض زاهد، مرتضی الویری، پیروز حناچی، محمد قوچانی، محمدتقی بانکی، مسعود روغنی‌زنجانی، محمد ستاری‌فر، طهماسب مظاهری، محمدحسین شریف‌زادگان، عبده‌تبریزی، موسی غنی‌نژاد، محمد طبیبیان علینقلی مشایخی، محمدمهدی بهکیش امضا شده و ملغمه‌ای از به اصطلاح نهادگرایان و حامیان لیبرالیسم و سرمایه‌داری را نشان می‌دهد.

این بیانیه از سوی همان کسانی امضا شده که سال گذشته تحت عنوان بیانیه ۱۸۰ اقتصاددان و بیانیه ۱۴۰ اقتصاددان، در خدمت ستاد انتخاباتی اشرافیت غربگرا و مدعیان اعتدال و اصلاحات درآمدند. آنها در بیانیه‌های انتخاباتی سال گذشته مدعی بودند: «به‌خوبی می‌دانیم تورم فزاینده، بیکاری گسترده به‌ویژه میان جوانان عزیز تحصیلکرده، افزایش جمعیت زیر خط فقر، کاهش ارزش پول، هزینه کمرشکن مسکن، انواع تبعیض‌ها و نابرابری‌ها، فرار سرمایه‌ها، مهاجرت نخبگان، و در نهایت افت شدید رشد اقتصادی امروز و فردای کشور را تیره ساخته است. این مصائب مردم را خسته و یأس را جایگزین امید ساخته است. تشکیل دولتی با اهداف روشن توسعه‌ای و ملتزم به بهبود وضعیت زندگی مردم می‌تواند به تدریج گره از مشکلات کشور بگشاید. اگر مشکلات و چالش‌های امروز ناشی از انتخاب‌های جمعی گذشته است، برون‌رفت و حل این چالش‌ها نیز نیازمند انتخاب‌های جمعی هوشمندانه و عاقلانه است. ما اعتقاد داریم که پایبندی به مجموعه‌ای از اصول اقتصادی شرط لازم برای تحقق این آینده متفاوت است. سوابق اجرائی و رویکرد دکتر مسعود پزشکیان نشان از باورمندی به اصول زیر و توانایی در تحقق این اصول دارد: حاکمیت قانون، خروج از انزوا و تعامل با جهان، انضباط پولی، ارزی و بودجه‌ای دولت، بهبود محیط کسب‌وکار، و شفافیت و پاسخگویی».

اما نگاهی به سوابق این عناصر سیاسی‌کار نشان می‌دهد که طی چند دهه گذشته، غالبا هم بر مسند بوده‌اند و هم ژست اپوزیسیونی گرفته‌اند؛ همیشه طلبکار بوده‌اند و هیچ وقت فصل پاسخگویی‌شان نرسیده است. سفسطه‌گرانی که به نام کارشناس، کاسبی می‌کنند و به عوام‌فریبی در بزنگاه‌های سیاسی یا انتخاباتی کمک می‌رسانند.

آنها از زمان دولت هاشمی، مشغول نسخه‌پیچی و اجرای نسخه‌های تورم‌ساز بوده و رکوردهای تورمی را در آن دولت و دولت‌های روحانی و پزشکیان به یادگار گذاشته‌اند. از تورم ۴۹ درصدی در دولت هاشمی تا تورم ۴۵ درصدی در دولت روحانی. گران کردن نرخ ارز، حذف یارانه‌ها در کنار ایجاد رانت برای رانت‌خوران، افزایش شکاف طبقاتی، بی‌رمق کردن تولید، و تضعیف موضع کشور در سیاست خارجی، کارویژه مزمن این جماعت است.

حالا هم به جای پاسخگویی درباره وعده‌های انتخاباتی سال گذشته، یا عذرخواهی از مردم، دست پیش گرفته و از دولت می‌خواهند بودجه نهادها را حذف کند! و این در حالی است که از بیش از هشتاد درصد بودجه که توسط دستگاه‌های دولتی و عمدتا صرف هزینه‌های جاری می‌شود، هیچ سؤالی نمی‌پرسند. آنها همچنین توضیح نمی‌دهند چرا روند مثبت رشد اقتصادی، در یک سال اخیر منفی شد و تورم به شکل چشمگیری افزایش یافت؟ و سهم سوءتدبیرهای دولت در استارت زدن برخی گرانی‌ها چیست؟

یادآور می‌شود از اسامی خوشنام مذکور در بیانیه، عباس آخوندی وزیر راه و شهرسازی دولت روحانی است که یک تنه و با ادبیات طعنه و تمسخر و کاهلی توانست جهش نزدیک به هفتصد درصدی قیمت مسکن را در آن دولت تدارک کند! مسعود نیلی و سیف و فخریه کاشان هم از مدیران سهیم در کوتاهی‌های همان دولت هستند. برخی دیگر هم مدیران دولت‌های هاشمی و خاتمی هستند. شماری هم سیاست‌بازانی هستند که از اقتصاد هیچ سررشته‌ای ندارند.

لوموند: اروپا توسط آمریکا تحقیر می‌شود

روزنامه فرانسوی لوموند گزارش داد دولت دونالد ترامپ در جریان مذاکرات برای برقراری صلح در اوکراین، متحدان اروپایی خود را نادیده گرفته و آن‌ها را تحقیر کرده است.

لوموند نوشت استیو ویتکاف، نماینده ویژه دولت آمریکا و جرد کوشنر، داماد ترامپ، پس از سفر اخیر به مسکو و ملاقات با ولادیمیر پوتین، نشست خود با کشورهای اروپایی در بروکسل را لغو کردند و ترجیح دادند در میامی با هیئت مذاکره‌کننده اوکراینی دیدار کنند. آنها شخصاً زمان، مکان و فهرست دعوت‌شدگان را تعیین کردند و تعمداً هیچ جایی برای اروپا باقی نگذاشتند. دغدغه اوکراین و متحدان اروپایی‌اش دیگر تنها به روسیه محدود نمی‌شود؛ اکنون آمریکا نیز به منبع نگرانی آنان بدل شده است.

ساعاتی پس از دیدار هیئت آمریکایی با پوتین در مسکو، کیریل دیمیتریف، از مشاوران برجسته کرملین، جزئیاتی از گفت‌وگوها را فاش کرد و در شبکه اجتماعی ایکس نوشت سندی که در این مذاکرات «با جزئیات» مورد بررسی قرار گرفته، طرحی در ۲۷ بند است. این سند تقریباً با طرح صلح اولیه ۲۸بندی که پیش‌تر مطرح شده بود، تفاوت چندانی ندارد و عمدتاً بازتاب‌دهنده خواسته‌های روسیه است. نتیجه مذاکرات ژنو که میان نمایندگان اروپا، آمریکا و اوکراین برای حذف بندهای مسئله‌ساز و تطبیق طرح با قواعد حقوق بین‌الملل برگزار شد، عملاً به دست فراموشی سپرده شده است.»

سریع‌القلم با این یاوه‌گویی خود را از اعتبار انداخت

محافل سیاسی و رسانه‌ای حامی محمود سریع‌القلم می‌گویند اظهارات اخیر وی علیه حضور طبقات فقیر در مسند قدرت و سیاست و موج اعتراض‌های صورت‌گرفته، بزرگ‌ترین بحران اعتبار عمومی وی در ۲۵ سال فعالیتش است.

روزنامه کارگزاریی سازندگی که به تازگی برای حمایت از سریع‌القلم، او را تیتر و عکس تمام‌صفحه اول هم کرد، در یادداشتی با عنوان «خطای معیار طبقاتی» نوشت: سخنان آقای دکتر سریع‌القلم در مورد اقشار محروم و نقش آنها در مدیریت اقتصاد و سیاست طی روزهای اخیر مورد بحث بوده است. برخی در این فاصله کوشیدند تا برای دفاع از ایشان، اصل سخنان ایشان را نادیده گرفته و بر اهمیت نقش «طبقه متوسط» متمرکز شوند و از «گروه‌های نخبه و برخوردار از دانش تجربه جهانی چشم و دل‌سیر، انضباط فکری و توانایی» سخن بگویند. منتقدان متهم به «حملات سیاسی مغرضانه و سازمان‌یافته علیه یک نظر علمی» و بی‌توجهی «به نیاز به نخبگانی کارآمد، شایسته، وطن‌دوست، مسئولیت‌پذیر، مستقل، باتجربه جهانی و آشنا با عقلانیت و حکمرانی مدرن» شده‌اند. اما سخنان آقای دکتر سریع‌القلم که موجب اعتراض شد، غیر از اینها بود. سخن ایشان با اینکه «فرد در کودکی آیا اتاق خاص خود را داشته یا نداشته» شروع می‌شود. اگر این معیار باشد، در گام اول اقلاً ۷۰درصد مردم ایران از چرخه مدیریتی حذف می‌شوند. بعد ایشان می‌گویند: «کسی می‌تواند وارد سیاست و اقتصاد شود که حداقل از طبقه متوسط باشد». این سخنی است به‌غایت نادرست و ضدعلمی. آنجا هم که می‌گویند «بعضی وقت‌ها سیاه‌ها و اینها هم درخواست می‌کردند و از طبقات پایین بودند»، سخنی است که اگر در آمریکا گفته شود به‌عنوان سخنی نژادپرستانه مورد اعتراض قرار می‌گیرد. با توجه به آن عبارت «حداقل از طبقه متوسط» می‌توان معنی عبارت «هر کسی را نباید اجازه داد که وزیر شود»، فهمید. ایشان همچنین «شناخت دنیا» را به این یا آن «قشر اجتماعی» ربط می‌دهند که گزاره‌ای نادرست است.

لُب‌کلام ایشان در این فایل صوتی بدون تردید این است که کسانی که محرومیت و فقر مادی داشته‌اند به درد سیاست و اقتصاد نمی‌خورند. کسانی که این «لُب‌کلام» را مسکوت گذاشته و در دفاع از این سخنان از مهم‌بودن طبقه متوسط صحبت کرده‌اند، در واقع مغلطه کرده‌اند. ایشان می‌گوید «کسانی که محرومیت کشیده‌اند، لیاقت قرار گرفتن در پست‌های مدیریتی را ندارند». این سخن نوعی نظام کاستی فاقد تحرک اجتماعی را تداعی می‌کند که حتماً ضدعلمی است.

روزنامه شرق هم در مقاله‌ای می‌نویسد: به‌تازگی یکی از استادان مباحث توسعه، این دیدگاه را مطرح کرده است که تنها طبقه متوسط توانایی و انضباط لازم برای حکمرانی مؤثر را دارد و ورود طبقات فرودست به ساختار قدرت می‌تواند به «سوءاستفاده»، «جبران محرومیت» یا «تخریب سازوکارهای حکمرانی» بینجامد. این فرضیه از نظر تاریخی، تجربی و نظری قابل دفاع نیست. واقعیت این است که خاستگاه طبقاتی نه تضمین‌کننده شایستگی است و نه پیش‌بینی‌کننده فساد.

سایت جماران هم با اشاره به واکنش‌های اعتراضی علیه تحلیل اشرافی سریع‌القلم نوشت: اظهارات این استاد دانشگاه و مشاور سابق حسن روحانی مبنی بر اینکه «فقرا نباید در سیاست و اقتصاد وارد شوند، زیرا فاقد ظرفیت‌های ذهنی لازم هستند» و «در آینده ایران نباید اجازه دهیم از این طبقات وزیر شوند»، موجی گسترده از واکنش‌ها را برانگیخت.

بیشترین واکنش‌ها حول محور طبقاتی شکل گرفت. واژگانی چون «فاشیستی»، «نژادپرستانه»، «الیتیستی» و «ضد عدالت اجتماعی» به سرعت به برچسب‌های غالب بدل شدند. این ادبیات نشان می‌دهد که بخشی از افکار عمومی سخنان او را نه یک لغزش فردی، بلکه بازتاب یک نگاه ساختاری و تحقیرآمیز به طبقات پایین جامعه تلقی کرده است.

یادآوری سخنان سال ۹۲ او («لبوفروش و راننده تاکسی چرا درباره مذاکرات ژنو نظر می‌دهند؟») نشان داد که از منظر منتقدان، نگاه تحقیرآمیز او به طبقات پایین، یک الگوی پایدار است. همین تداوم باعث شد سخنان اخیر به‌عنوان بخشی از یک خط فکری نخبه‌گرایانه تثبیت شود. مقایسه او با محسن رنانی و ماجرای «کورتکس نازک ایرانی‌ها» نیز به شکل‌گیری یک «میم» جدید انجامید؛ هر دو به‌عنوان نمونه‌های نخبه‌گرایی نژادپرستانه معرفی شدند.

موج واکنش‌ها بزرگ‌ترین بحران اعتبار عمومی سریع‌القلم در دو دهه اخیر را رقم زد. حتی پایگاه سنتی او اصلاح‌طلبان، روشنفکران و تکنوکرات‌ها با شدیدترین لحن به نقد پرداختند. موافقان واقعی تقریباً غایب بودند و بقیه دفاع‌ها ضعیف بود. او در کمتر از ۴۸ساعت و در سقوطی سریع و بی‌سابقه، از «استاد توسعه» به «نماد فاشیسم طبقاتی» بدل شد.

جریان‌شناسی کاربران نشان می‌دهد که واکنش‌ها نه‌تنها گسترده، بلکه از نظر ترکیب سیاسی نیز متنوع بوده است. بیشترین خشم از درون پایگاه اصلاح‌طلبان و غربگرایان برآمد؛ همان حلقه‌ای که طی دو دهه گذشته پشتوانه اصلی اعتبار او محسوب می‌شد.

اسرائیل‌هیوم: ایران نفوذ جهانی گسترده‌ای یافته است

یک روزنامه صهیونیستی می‌گوید: ایران برای گسترش نفوذ جهانی خود، سیستم‌های پیچیده‌ای را به کار گرفته است که به اسرائیل از نظر سیاسی و امنیتی آسیب می‌زند.

اسرائیل‌هیوم نوشت: ایران با استفاده از نفوذ فرامنطقه‌ای خود، منافع اسرائیل را در سراسر جهان هدف قرار داده است و تل‌آویو باید میدان نبرد علیه تهران را گسترش دهد.

این نشریه نوشت: اقدامات فرامنطقه‌ای تهران، از جمله گزارش اخیر درباره تلاش ایران در جنگ غزه برای جلوگیری از کار کردن کشاورزان تایلندی در اسرائیل، عملیات ترور سفیر اسرائیل در مکزیک، تظاهرات گروه‌های شیعی در سیدنی علیه اسرائیل و جذب نوجوانان